شناسایی نشانگان کارآفرینی معلمان و ارزیابی وضع موجود آن

دکتر حبیب الله نجفی هزارجریبی[1]

سکینه اشرفی[2]

چکیده

معلمان کارآفرین افرادی هستند که شجاعت تغییر الگوهای آموزش سنتی را دارند. آنها به روشهای جدید فکر می‌کنند و در راستای بهبود آموزش و یادگیری دانش‌آموزان ابزارهای کمک آموزشی جدید تولید و از آنها بهره می‌گیرند. پژوهش آمیختهٔ حاضر با هدف شناسایی نشانگان معلمان کارآفرین و ارزیابی وضع موجود آن در مدارس شهر خرم‌آباد انجام‌شده است. در بخش کیفی از راهبرد پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد و با کاربست روشهای نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی، معلمان باتجربه، نمونه و مشهور که بنابر گزارش والدین و مدیران می‌توان آنها را کارآفرین تلقی کرد، انتخاب شدند و مورد مصاحبه قرار گرفتند. با استفاده از تحلیل محتوا و کدگذاری مصاحبه‌ها، پنجاه نشانگر در ۸ بعد (خلاقیت، مهارتهای آموزشی، ویژگیهای شخصیتی، خودکارآمدی، دانش‌افزایی، کار گروهی، مهارت ارتباطی و تفکر حل مسئله) طبقه‌بندی شدند. در بخش کمّی پژوهش، راهبرد توصیفی از نوع همبستگی به کار گرفته شد و با استفاده از نشانگرهای شناسایی شده پرسشنامه‌ای با روایی محتوایی تأییدشده و پایایی مناسب (آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۸) تدوین شد و ۲۹۰ معلم آن را تکمیل کردند. از طریق تحلیل عاملی اکتشافی ۴۸ نشانگر شناسایی‌شده در ۸ بعد (خلاقیت، مهارتهای آموزشی، ویژگیهای شخصیتی، خودکارآمدی، دانش‌افزایی، کار گروهی، مهارت ارتباطی و تفکر حل مسئله) طبقه‌بندی شدند. در مرحله بعد با توجه به نتایج آزمون T تک نمونه‌ای، ابعاد هشتگانه معلمان کارآفرین به طور معناداری بالاتر از متوسط ارزیابی شد. نتایج پژوهش علاوه بر شناسایی نشانگان معلمان کارآفرین، شرایط و زمینه‌های لازم را برای تقویت و توسعه مهارتهای کارآفرینی معلمان ایجاد خواهد کرد.

کلیدواژگان: معلمان کارآفرین، مهارتهای آموزشی، خودکارآمدی، دانش‌افزایی، مهارت ارتباطی، کار گروهی، تفکر حل مسئله

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۰/۲

۱. استادیار، گروه علوم‌تربیتی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) hnh_dr@yahoo.com

۲. مربی، گروه علوم‌تربیتی، دانشگاه پیام‌نور s.ashrafi@pnu.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

مقدمه

بسیاری از افراد موفق مانند اقتصاددانان، رهبران سیاسی و متخصصان آموزش‌وپرورش معتقدند که تقویت احساس و مهارت کارآفرینی در میان گروههای متفاوت جامعه نه‌تنها سبب افزایش موفقیت فردی و گروهی در زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی بزرگ‌تر می‌شود(دین[1]،۲۰۱۷)، بلکه زمینه‌های رشد اقتصادی، انسجام اجتماعی و فقرزدایی را در جامعه به وجود می‌آورد (دال و همکاران[2]،۲۰۱۶). پژوهشگران معتقدند که توسعه کارآفرینی در یک کشور مستلزم آموزش و تربیت معلمان و استادان مجرب کارآفرین است. معلمانی که الگوهای مرسوم را تغییر می‌دهند با کارآفرینان یکسان هستند (یوهانیسون و مدسن[3]، ۱۹۹۷). رو ادگارد[4] (۲۰۱۲) معتقد است که معلمانی که شجاعت تغییر الگوهای آموزشی سنتی را دارند به مثابه یک کارآفرین در کلاس توصیف می‌شوند. معلمان کارآفرین افرادی هستند که جرأت می‌کنند الگوهای سنتی را از میان بردارند و به روشهای جدید فکر کنند و در حکم یک نیروی محرک برای تغییر رفتار عمل کنند (لوفلر[5]، ۲۰۰۹). دافی[6] (۱۹۹۷) ادعا می‌کند که یک معلم خوب کسی است که در مورد خودش و کارش تحقیق و بررسی کند، از این رو او یک معلم کارآفرین محسوب می‌شود؛ یعنی معلمی که شرایط یادگیری را با زندگی واقعی شبیه‌سازی می‌کند و از مدلهای بسیاری به منظور خلق مدل منحصربه‌فرد خودش بهره می‌گیرد. همچنین آموزش خود را در این جهت پایه‌گذاری می‌کند. به‌عبارت‌دیگر، یک معلم کارآفرین دربارهٔ روشهای آموزش خود، چرایی انتخاب این روشها و علل انتخاب برخی از متون فکر می‌کند (به نقل از برگسلیثنر[7]، ۲۰۰۵). معلمان کارآفرین علاقهٔ بسیار به آموزش دارند. آنها نه‌تنها الهام‌بخش، دارای فکر باز، با اعتماد به نفس، انعطاف‌پذیر و مسئولیت‌پذیرند، بلکه گاهی اوقات قانون شکن اند؛ آنها می‌توانند ایده‌های خود را عینیت ببخشند و به فروش برسانند. همچنین عمل‌گرا هستند و می‌توانند با دانش‌آموزان کار کنند. آنها بازیکنان تیمی هستند و شبکه‌های ارتباطی خوبی دارند (کمیسیون اروپا[8]، ۲۰۱۳). معلمان کارآفرین ضمن کار و فعالیت پرشور و با انرژی هستند. آنها مثبت اندیش و الهام‌بخش‌اند و نسبت به تدریس خود اطمینان دارند. درواقع آنها رهبران خودشان هستند و منتظر هدایت فرادستان نیستند. آنها خودشان

1. Din
2. Dal et al.
3. Johannisson & Madsén
4. Røe Ødegård
5. Leffler
6. Duffy
7. Bergsleithner
8. European Commission

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

دانش‌آموزان را هدایت می‌کنند و در کنار ایده‌پردازی جدید، قادر به فکر کردن درباره موضوعات و مسائل جاری هستند و افقهایی جدید را پیش روی دانش آموزان و همکاران خود ترسیم می‌کنند (کمیسیون اروپا،۲۰۱۴). معلم کارآفرین کسی است که بتواند در کلاس درس چگونگی برقراری ارتباط مؤثر و مفید با دانش آموزان، حس خودباوری و اعتمادبه‌نفس و خودپنداری مثبت را کشف کند و با ایجاد محیطی آرام و خالی از تنش، راههای کسب انگیزه و موفقیت را با کمترین امکانات آموزشی و در هر محیط به دانش آموزان نشان دهد و آنها را هدایت کند (اشتیاقی‌جو،۱۳۹۰). برسلر[1] (۲۰۱۱) ادعا می‌کند که میان کارآفرینان و معلمان کارآفرین ویژگیهایی مشترک وجود دارد که عبارت اند از: ۱) جستجوی بینش و خلاقیت، شناسایی و کشف فرصتهای آموزشی ۲) توانایی گوش دادن به دیگر معلمان، دانش آموزان و سایرین، ایجاد وظایف مشترک و مناسب، همکاری و رهبری پروژه‌های گروهی ۳) تداوم یادگیری تجربی در کلاس درس و تعامل با همکاران.

پیشینه پژوهش

لیزی و لاوارونی[2] (۲۰۰۰) مطالعه ای موردی را با عنوان «کارآفرین آموزشی: ایجاد تفاوت» در میان ۲۲ معلمی انجام دادند که نظام آموزش سنتی را با هدف راه‌اندازی شروع کسب‌وکار برای بهبود آموزش ترک کرده بودند. آنها معتقدند که استفاده از قدرت مؤسسات آزاد تجاری تنها راه صرفه‌جویی در نظام آموزشی آمریکاست و در این پژوهش نمونه‌هایی از این موسسه‌ها را ارائه دادند. اِیَل و اینبار[3] (۲۰۰۳) در پژوهشی به بررسی مفهوم کارآفرینی در یک نظام آموزشی متمرکز و ویژگیهای منحصربه‌فرد کارآفرینی در آموزش‌وپرورش پرداختند. آنها همچنین ابزاری را برای اندازه‌گیری کارآفرینی آموزشی ارائه داده‌اند که ارتباط کارآفرینی آموزشی را با موقعیت جغرافیایی و اجتماعی مدرسه نشان می‌دهد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که پرسشنامه ساخته شده از پایایی و اعتبار بالا برخوردار بوده است. همچنین نتایج، شکلهای گوناگون کارآفرینی در نظام آموزشی موجود را نشان داد. افزون بر این در نظامهای آموزشی متمرکز، کارآفرینی در مدارس حاشیه‌ای بیش از مدارس نزدیک به مرکز سیستم رخ می‌دهد، اما در کل آزادی مدارس در زمینه کارآفرینی محدود است و نمی‌تواند فراتر از آن چیزی باشد که از نظر نظام آموزشی مشروع است. پلتونن[4] (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی نقش یادگیری مشارکتی در توسعه مهارتهای کارآفرینی معلمان در محیط مدرسه در سطح ابتدایی، متوسطه و حرفه‌ای پرداخت. یافته‌ها نشان دادند که

1. Bresler
2. Leisey & Lavaroni
3. Eyal & Inbar
4. Peltonen

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

تعامل اجتماعی و حمایت گروهی از مهم‌ترین محرکهای ایجاد اعتمادبه‌نفس در معلمان برای کارآفرینی هستند. همچنین یادگیری مشارکتی می‌تواند به آموزگاران کمک کند تا شیوه‌های تربیت کارآفرینی بیشتری را اتخاذ کنند. یمینی[1] و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی کیفی به بررسی معنای کارآفرینی در محیطهای مدرسه و شرایط مرتبط با فعالیتهای کارآفرینی معلمان مدارس پرداختند. پولات[2] (۲۰۱۷) در پژوهشی به تعیین مهارتهای کارآفرینی مدیران مدرسه براساس نظر معلمان پرداخت. یافته‌های پژوهش نشان داد که معلمان دارای مهارتهای کارآفرینی با نیاز به دستیابی به موفقیت، اعتماد به نفس و کنترل درونی مدیران مدارس موافق بودند اما نسبت به مهارتهای تمایل به ریسک کردن، خلاقیت و تحمل ابهام تردید داشتند. همچنین بر اساس نظر معلمان، مهارتهای کارآفرینی رهبران مدارس بر اساس متغیرهای نوع وظیفه، نوع مدرسه، جنسیت، سن و وضعیت تحصیلی تفاوتی ندارد. محمدی الیاسی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی مهارتهای یک استاد شایسته کارآفرینی برای پرورش دانش‌آموخته‌های کارآفرین یا کارآفرینان نوپا پرداختند. آنها مجموعه‌ای منسجم و متمایز از مهارتهای مربیان -استادان کارآفرینی برای پرورش دانشجویان علاقه‌مند به ایجاد کسب‌وکار را شناسایی و ارائه دادند که عبارت‌اند از: مقولهٔ یادگیری استاد – مربی، مقولهٔ یاددهی استاد- مربی، مقولهٔ برقراری ارتباط اثربخش، مقولهٔ ایجاد و ادارهٔ کسب‌وکار نوپا، مقولهٔ تحلیل محیط کسب‌وکار نوپا. اشتیاقی‌جو (۱۳۹۰) در بررسی عوامل مرتبط با میزان کارآفرینی در میان معلمان منطقه آموزش وپرورش پاکدشت نتیجه گرفته است که معلمان کارآفرین دارای ویژگیهای شخصیتی مانند اعتمادبه‌نفس بالا، خلاقیت و نوآوری، ریسک‌پذیری بالا و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی مفید هستند.

پژوهشها نشان می‌دهند که مفهوم «کارآفرینی» در اصل از بخش اقتصادی نشأت گرفته (لندستروم[3] و همکاران،۲۰۱۲) سپس به حوزه‌های اجتماعی (اکسلسون[4]،۲۰۱۷) و سیاسی (مگوئین[5]، ۲۰۰۶) وارد شده است. در آموزش‌وپرورش نیز ما شاهد رشد مفهوم کارآفرینی و ظهور اصطلاحاتی جدید مانند آموزش کارآفرینی، کارآفرینان آموزشی، مدیران و معلمان کارآفرین هستیم. معلمان کارآفرین مهره‌های اصلی رشد و پیشرفت نظام آموزشی محسوب می‌شوند. آنها در آموزش و یادگیری از رویکردهای خلاقانه بهره می‌گیرند. آنها یادگیری مبتنی بر پروژه و استفاده از مواد

1. Yemini
2. Polat
3. Landström
4. Axelsson
5. McGuinn

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

آموزشی به‌جای کتابهای درسی را ترجیح می‌دهند. آنها همچنین بر فرآیندها و تعاملات گروهی تأکید و به مثابه یک راهنما عمل می‌کنند و به دانش‌آموزان برای توسعه مهارتهای خویش آزادی عمل می‌بخشند. دانش و مهارتهای کارآفرینی سبب عملکرد بهتر معلم، تأثیرگذاری بیشتر آموزش، به‌کارگیری راهبردهای خلاقانه و بهبود یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. همچنین رفتار کارآفرینانه معلمان سبب رشد خلاقیت، نوآوری و تسریع کارآفرینی در میان دیگر معلمان، دانش‌آموزان و جامعه می‌شود. با وجود اهمیت موضوع نقش و تأثیر معلمان کارآفرین در نظام آموزشی به ویژه در محیط مدارس، مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که در بخش اقتصاد تعاریفی دقیق و روشن از اصطلاح کارآفرینان وجود دارد. آنها افرادی هستند که کالایی تولید، شغلی ایجاد و درآمدی کسب می‌کنند، اما در مشاغل خدماتی مانند آموزش و پرورش تعریف و تعبیری دقیق از کارآفرینی ارائه نشده است و افراد درک صحیحی از کارآفرینی معلمان، مربیان و مدیران مدارس ندارند. علاوه براین کمبود پژوهشهای صورت گرفته در حوزه معلمان کارآفرین در جهان و به‌ویژه در ایران، اهمیت انجام دادن پژوهش را دوچندان می‌کند. از این رو، پژوهش حاضر به منظور شناسایی نشانگان معلمان کارآفرین و بررسی وضع موجود کارآفرینی در میان معلمان انجام شده و در پی پاسخگویی به سؤالات زیر است:

۱. نشانگان معلمان کارآفرین در مدارس شهر خرم‌آباد کدام اند و به چه ابعادی تقسیم می‌شوند؟

۲. وضع موجود کارآفرینی در میان معلمان مدارس شهر خرم‌آباد چگونه است؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر نخست مهم‌ترین نشانگان معلمان کارآفرین با استفاده از رویکرد کیفی شناسایی شدند. سپس با یک مطالعه کمّی، وضع موجود معلمان کارآفرین شهر خرم‌آباد مورد ارزیابی قرار گرفت. براین اساس، پژوهش حاضر پژوهش «آمیخته» اکتشافی است در رویکرد کیفی پژوهش از راهبرد پدیدارشناسی بهره‌گیری شده است. هدف از پدیدارشناسی، بررسی معنای یک پدیده یا مفهوم موردمطالعه از نظر گروهی از افرادی است که آن را تجربه کرده‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر پدیدارشناسی سعی بر آن دارد که به شناخت از پدیده از طریق پی بردن به درک افراد از آن پدیده، ارج نهد (بازرگان،۱۳۹۳). در رویکرد کمی روشهای توصیفی و استنباطی (آزمون تحلیل عاملی اکتشافی، آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن) به کار گرفته‌شده است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

جامعه آماری پژوهش شامل همهٔ معلمان دوره‌های تحصیلی ابتدایی (دوره اول و دوم) و متوسطه (دوره اول و دوم) شهر خرم‌آباد در سال تحصیلی ۹۶-۹۵ بوده است. بر اساس آمار دریافت شده از سازمان آموزش‌وپرورش شهر خرم‌آباد شمار کل معلمان ۲۶۵۰ نفر بوده که از این عده، ۹۴۱ زن و ۳۹۸ مرد در دوره ابتدایی و ۷۹۴ زن و ۵۱۷ مرد در دوره متوسطه مشغول به تدریس بوده اند. در بخش کیفی پژوهش با توجه به ماهیت پژوهش، برای انتخاب مشارکت‌کنندگان، ابتدا از شیوه «نمونه‌گیری هدفمند» استفاده‌شده است. در نمونه‌گیری هدفمند پژوهشگر شرکت‌کنندگانی را انتخاب می‌کند که در مورد پدیده اصلی مورد مطالعه یا مفهوم کلیدی کشف‌شده، تجربه‌دارند (کرسول و پلانو کلارک،۱۳۹۴). با توجه به ماهیت اکتشافی بودن پژوهش در بخش کیفی به نظر می‌رسد استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند کاملاً موجه باشد زیرا پژوهشگر قصد مطالعه شخص یا جایی را دارد که برای کسانی که با موقعیت غریبه‌اند، عادی است و پژوهشگر درپی کشف تجربه و درک افراد از موضوع پژوهش می‌باشد(کرسول،۱۳۹۱). در این پژوهش معلمانی انتخاب شدند که بیشترین و مناسب‌ترین اطلاعات را در مورد مصادیق معلمان کارآفرین داشتند. معلمان دیگر نیز با استفاده از تکنیک گلوله برفی معرفی شدند که بیشترین نشانگان معلمان کارآفرین را ارائه کردند. در این پژوهش این روش نمونه‌گیری تا مرز «اشباع» اطلاعاتی ادامه داشت. به‌طورکلی در بخش کیفی نظرات ۱۵ نفر از معلمان باسابقه در زمینه تدریس در مدارس مورد بررسی قرار گرفت(جدول شماره ۱)؛ اما در بخش کمّی از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای برای انتخاب معلمان مدارس شهر خرم‌آباد استفاده‌شده است. ۲۹۰ نفر از معلمان با استفاده از فرمول کوکران، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی پژوهش

ردیف	تحصیلات	سابقه تدریس	ردیف	تحصیلات	سابقه تدریس
۱	کارشناسی ارشد علوم تربیتی	۱۴ سال	۹	دانشجوی دکتری مشاوره	۸ سال
۲	کارشناسی ارشد شیمی	۱۲ سال	۱۰	کارشناسی ریاضی	۱۶ سال
۳	کارشناسی ارشد فیزیک	۱۳ سال	۱۱	کارشناسی ارشد علوم تربیتی	۱۷ سال
۴	کارشناسی علوم اجتماعی	۱۴ سال	۱۲	کارشناسی ارشد ادبیات	۱۹ سال
۵	کارشناسی ارشد جغرافیا	۱۷ سال	۱۳	کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی	۱۵ سال
۶	کارشناسی ارشد ادبیات فارسی	۱۵ سال	۱۴	دانشجوی دکتری ریاضی	۱۶ سال
۷	دانشجوی دکتری روانشناسی	۱۴ سال	۱۵	کارشناسی ارشد زبان انگلیسی	۱۴سال
۸	دانشجوی ارشد الهیات	۱۰ سال			

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

در این پژوهش در بخش کیفی از مصاحبه «نیمه هدایت‌شده» استفاده‌شده و از مشارکت‌کنندگان درباره تجارب و مشاهداتشان از مصادیق معلمان کارآفرین سؤال شده است. سؤالات مورداستفاده در مصاحبه‌ها مشخص بود و پاسخگویان در دادن پاسخهای خود به مصاحبه‌کننده از آزادی کامل برخوردار بودند. البته پژوهشگر در حین مصاحبه علاوه بر سؤالات کلی، سؤالهای دیگری را نیز برای تشریح بیشتر هر سؤال مطرح می‌کرد. شایان‌ذکر است که انجام دادن این مصاحبه‌ها تا رسیدن به حد اشباع (۱۵ خبره) ادامه یافت. اشباع نظری رویکردی است که در پژوهشهای کیفی برای تعیین کفایت نمونه‌گیری مورداستفاده قرار می‌گیرد. در تحلیل مصاحبه‌ها از رویکرد استقرایی استفاده شده است و مصاحبه‌ها به‌صورت باز و آزاد یعنی بدون داشتن هیچ چارچوب مفهومی مورد تحلیل قرار گرفته است. داده‌های کیفی فراهم‌شده در دو مرحله شامل کدگذاری باز و محوری تحلیل شدند. گفتنی است که کد انتخابی همان عبارت «معلمان کارآفرین» بود. تحلیل مصاحبه‌ها پس از انجام دادن هر مصاحبه صورت گرفت. به‌این‌ترتیب که با کسب اجازه از مصاحبه شونده، مکالمه ضبط می‌شد و مکالمات ضبط‌شده پس از هر مصاحبه روی کاغذ پیاده می‌شد. سپس ۱۵ فایل پیاده شده به‌طور جداگانه مجدداً با تأکید بر نکات مهم و موردنظر درباره معلمان کارآفرین مورد بررسی قرار می‌گرفت. در این مرحله مجموعه‌ای از کدهای باز که از منظر خبرگان (معلمان باتجربه) عنوان‌شده بود، شناسایی و سپس خوشه‌بندی و طبقه‌بندی شد؛ به‌این‌ترتیب که با بررسی چندباره کدهای باز و کنار هم‌گماری کدهای مشابه که مطلب یا موضوع خاصی را مورداشاره قرار می‌دادند، طبقات اولیه از کدهای محوری شناسایی شدند. در این مرحله نیز با حساسیت بسیار طبقات شناسایی‌شده مورد ارزیابی قرا گرفتند، به‌نحوی‌که همهٔ کدهای باز مرتبط به هر کد انتخابی، ارتباط مفهومی مستقیم با عنوان کد محوری داشتند. شکل شماره ۱ کدگذاری باز را براساس بخشی از یک مصاحبه نشان می‌دهد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

معلمان کارآفرین علاقه‌مندند از الگوهای جدید تدریس استفاده کنند. آنها ابزارهای کمک آموزشی را با توجه به محتوای آموزش خلق کرده و آن‌را توسعه می‌دهند به سبک یادگیری دانش‌آموزان، علائق و استعداد آنها توجه و از آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی در کلاس استفاده می‌کنند. آنها علاقه‌مند به آموزش اند و در کار خود خلاق و نوآور هستند مسائل و مشکلات کلاس را بررسی و علت‌یابی کرده و همیشه در تلاش اند تا با استفاده از روشهای خلاقانه وضعیت موجود را بهبود بخشند و در این مسیر از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کنند. آنها با نمایش رفتار کارآفرینانه در کلاس سبب رشد و تقویت رفتار کارآفرینی در میان دانش‌آموزان و سایر کارکنان مدرسه می‌شوند

علاقه‌مندند به استفاده از الگوهای جدید تدریس+ خلق و توسعه ابزارهای کمک آموزشی+ توجه به سبک یادگیری، علائق و استعداد دانش‌آموزان+ استفاده از آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی+ علاقه‌مند به آموزش+ خلاق و نوآور+ بررسی و علت‌یابی مسائل و مشکلات+ بهبود وضعیت + تلاشگر + الگوسازی رفتار کارآفرینانه+ رشد و تقویت رفتار کارآفرینی

کدهای باز استخراج شده در این نقل قول

شکل ۱: نمونه ای از کدگذاری باز بر اساس بخشی از یک مصاحبه

پس‌ازاینکه مصاحبه‌ها تحلیل شدند، با استفاده از نتایج تحلیلها، پرسشنامه معلمان کارآفرین در ۸ بعد و ۵۰ گویه و در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت طراحی و برای اجرا در بخش کمّی آماده شد. در بررسی روایی مصاحبه‌ها از روایی محتوایی بهره گرفته شد، به این صورت که در زمینهٔ پرسشهای مصاحبه با تنی چند از استادان گروه علوم تربیتی و نیز صاحب‌نظران حوزه پژوهش کیفی مشورت شد. همچنین برای سنجش پایایی پرسشهای مصاحبه از روش پایایی هم‌زمان استفاده شد که ناظر بر مقایسه و هم‌افزایی مشاهدات همزمان است. همچنین برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی محتوایی و برای بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی آن ۰/۸۰ محاسبه‌شده است(جدول شماره ۲).

جدول ۲: مقادیر ضریب آلفای کرونباخ ابعاد پرسشنامه معلمان کارآفرین

	ابعاد معلمان کارافرین	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
۱	خلاقیت	۷	۰/۹۱۲
۲	مهارتهای آموزشی	۸	۰/۸۸۵
۳	ویژگیهای شخصیتی	۹	۰/۹۱۶

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

۴	خودکارآمدی	۶	۰/۸۷۴
۵	دانش‌افزایی	۵	۰/۸۹۸
۶	کار گروهی	۴	۰/۸۲۹
۷	مهارت ارتباطی	۵	۰/۸۲۸
۸	تفکر حل مسئله	۴	۰/۶۹۷
	پایایی کل	۵۰	۰/۸۰۰

یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر به‌منظور شناسایی نشانگان معلمان کارآفرین انجام شد. پس از تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌های صورت گرفته، ۷۰ نشانگر شناسایی شدند که پس از بررسی چند باره‌ای این نشانگان، حذف موارد تکراری و مشابه این تعداد به ۵۰ گویه کاهش یافت. در نهایت عوامل، ملاکها و نشانگرهای معلمان کارآفرین در قالب ۸ بعد شامل «خلاقیت»، « مهارتهای آموزشی »، «ویژگیهای شخصیتی»، «خودکارآمدی»، «دانش‌افزایی»، «کار گروهی»، «مهارت ارتباطی» و «تفکر حل مسئله» شناسایی و طبقه‌بندی شدند. به‌این‌ترتیب در پاسخ به سؤال اول پژوهش این نتیجه حاصل شد که کارآفرینی معلم به ۸ بعد و ۵۰ نشانگر تقسیم می‌شود (جدول شماره ۳).

جدول ۳: ابعاد و نشانگرهای معلمان کارآفرین

	ابعاد	نشانگرها
۱	**خلاقیت**	از روشهای تدریس جدید در کلاس استفاده می‌کنم. از ابزارهای کمک آموزشی جدید در کلاس استفاده می‌کنم. الگوهای سنتی تدریس را به منظور دستیابی به اهداف تغییر می‌دهم. از راهبردهای خلاقانه خود به منظور پرورش یادگیرندگان استفاده می‌کنم. نوآوری و خلاقیت نیاز ضروری شغل معلمی است. در پی یافتن راه‌حلهای جدید و نو برای بهتر انجام دادن وظایفم هستم. از ایده‌های جدید استقبال می‌کنم
۲	**مهارتهای آموزشی**	در دانش‌آموز انگیزه ایجاد می‌کنم. به سبک یادگیری دانش آموزان توجه می‌کنم. در تدریس به‌صورت هدفمند عمل می‌کنم. در تدریس به علائق و استعداد دانش‌آموزان توجه می‌کنم. فرآیند آموزشی را با توجه به نیازهای یادگیرندگان برنامه‌ریزی می‌کنم. ظرفیت دانش‌آموزان را برای کسب موفقیتهای بیشتر افزایش می‌دهم. در کلاس مسائل و موقعیتهای واقعی را مطرح می‌کنم. فرصت فکر کردن به دانش‌آموزان می‌دهم.
۳	**ویژگیهای شخصیتی**	فردی مثبت اندیش هستم. در تدریس فرد پرانرژی و سرحالی هستم. مسئولیت کارهای خود را به‌عهده می‌گیرم.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

		فردی برونگرا هستم. در تدریس از روحیه خوبی برخوردارم. در حین تدریس اعتمادبه‌نفس بالا دارم. به موفقیتهای کوچک قانع نمی‌شوم. همواره برای بهبود وضعیت موجود تلاش می‌کنم. من با جدیت و رغبت از پس مشکلات برمی‌آیم.
۴	**خودکارآمدی**	مطمئنم که می‌توانم برای بسیاری از مشکلات راه‌حل ارائه دهم. مطمئنم که می‌توانم از پس پیچیده‌ترین موقعیتها برایم. مطمئنم می‌توانم به مهارتهای تدریس جدید تسلط یابم. مطمئنم که می‌توانم ابزار آموزشی را متناسب با اهداف آموزشی توسعه دهم. مطمئنم که می‌توانم از عهده مدیریت کلاس برآیم. مطمئنم که می‌توانم از مواد آموزشی جدید استفاده کنم.
۵	**دانش‌افزایی**	در دوره‌های ضمن خدمت شرکت می‌کنم. به یادگیری نظریه‌های جدید در زمینه شغلی خود علاقه‌مندم. از تجارب و دانش دیگر معلمان استفاده می‌کنم. از اطلاعات و خبرهای مهم روز (درزمینه شغلی) مطلع ام. از اطلاعات و یافته‌های جدید استفاده می‌کنم.
۶	**کار گروهی**	به‌صورت گروهی و تیمی عمل می‌کنم. تأکید بسیار بر کار تیمی دارم. در گروههای کوچک مشارکت دارم. مشکلاتی را که به‌تنهایی از عهده حل آنها برنمی‌آیم با تبادل‌نظر با دیگر معلمان و مدیر مدرسه از میان برمی‌دارم.
۷	**مهارت ارتباطی**	با دانش آموزان رابطه عاطفی مؤثری دارم. با همکاران ارتباط مؤثری دارم. با همکارانم در مدرسه همکاری و مشارکت فعال دارم. ایده‌های آموزشی خود را با دیگران در میان می‌گذارم. با مدیر مدرسه و سایر معلمان رابطه دوستانه برقرارمی‌کنم.
۸	**تفکر حل مسئله**	در شغلم از فرآیند تفکر حل مسئله استفاده می‌کنم. به دنبال کشف راه‌حل مسائل و مشکلات هستم. در پی کشف راه‌حلهای جدید برای مسائل هستم. به مشکلات دانش‌آموزان توجه و رسیدگی می‌کنم.

بر اساس نتایج به‌دست آمده در بخش آمار توصیفی، از ۲۹۰ نفر نمونه آماری که در دوره‌های تحصیلی ابتدایی (۱۰۴ زن، ۴۲ مرد) و متوسطه (۹۰ زن، ۳۹ مرد) مشغول به تدریس بودند؛ در حدود ۳۰درصد تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری و۷۰ درصد کارشناسی و پایین‌تر داشتند. از این عده ۶۶ درصد دارای سابقه شغلی ۱۵ سال یا کمتر و مابقی بالای ۱۵ سال سابقه داشتند. بیشترین عده از نظر مقطع تحصیلی مربوط به تحصیلات لیسانس (۶۰ درصد) و ازنظر سابقه

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

خدمت ۱۵-۱۱ سال (۲۴ درصد) است. برای بررسی ساختار عامل و وضعیت ابعاد، تحلیل عاملی اکتشافی انجام گرفت.

برای بررسی ساختار عامل و وضعیت ابعاد، تحلیل عاملی اکتشافی انجام گرفت. در تحلیل عاملی اکتشافی، با به کارگیری روش «تحلیل مؤلفه‌های اصلی»[1] ساختار عاملی پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت. اندازه «مقیاس کایرز-میر- اولکین برای کفایت نمونه‌گیری»[2] برابر ۰/۷۸۵ و نتیجه آزمون «کرویت بارتلت»[3]، با درجه آزادی ۳۷۸، در سطح معناداری صفر، برابر با ۲۲۰۸/۴۰۶ به‌دست آمد. با توجه به اینکه ۱. اندازه کفایت نمونه‌گیری بالاتر از ۰/۷ به دست آمد و از روش قابل قبولی برخوردار بود، ۲.آزمون کرویت بارتلت معنادار شد و ۳. مقادیر محاسبه شده در قطر همبستگی «ضد تصویر» همگی بزرگ‌تر از ۰/۵ بودند، امکان انجام دادن تحلیل عاملی برای این پرسشنامه فراهم شد. در مرحله بعد، برای تعیین مناسب‌ترین عاملها، «چرخش متمایل» انجام شد. در گام بعد با توجه به ماهیت و درون‌مایه گویه‌های بار گرفته زیر هر عامل، نام هر عامل به ترتیب ذکرشده در جدول شماره ۴ مشخص شد.

جدول ۴: ماتریس چرخش یافته عوامل پرسشنامه

شماره گویه	گویه‌ها	عوامل							
		معلم کارآفرین							
		خلاقیت	مهارتهای آموزشی	ویژگیهای شخصیتی	خودکارآمدی	دانش افزایی	کارگروهی	مهارت ارتباطی	تفکر حل مسئله
۱	از روشهای تدریس جدید در کلاس استفاده می‌کنم.	۰/۷۵۱							
۲	از ابزارهای کمک آموزشی جدید در کلاس استفاده می‌کنم.	۰/۷۰۸							
۳	الگوهای سنتی تدریس را به منظور دستیابی به اهداف تغییر می‌دهم.	۰/۹۰۱							
۳	از راهبردهای خلاقانه خود در پرورش یادگیرندگان بهره می‌گیرم.	۰/۸۱۷							
۵	نوآوری و خلاقیت نیاز ضروری شغل معلمی است.	۰/۷۴۰							

1. Principal Component Analysis
2. Kaiser-Meyer-Olkin (KMO) measure of sampling adequacy
3. Bartlett's test of sphericity

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

۶	در پی یافتن راه‌حلهای جدید و نو برای بهتر انجام دادن وظایفم هستم.	۰/۸۰۸						
۷	از ایده‌های جدید استقبال می‌کنم.	۰/۷۴۳						
۸	فردی مثبت اندیش هستم.		۰/۸۵۶					
۹	در تدریس فرد پرانرژی و سرحالی هستم.		۰/۸۶۳					
۱۰	مسئولیت کارهای خود را به‌عهده می‌گیرم.		۰/۶۸۷					
۱۱	فردی برونگرا هستم.		۰/۷۶۱					
۱۲	در تدریس از روحیه بالا برخوردارم.		۰/۶۸۲					
۱۳	در حین تدریس اعتمادبه‌نفس بالا دارم.		۰/۷۹۴					
۱۴	به موفقیتهای کوچک قانع نمی‌شوم.		۰/۸۴۰					
۱۵	همواره برای بهبود وضعیت موجود تلاش می‌کنم.		۰/۸۰۹					
۱۶	من با جدیت و رغبت از پس مشکلات برمی‌آیم.		۰/۷۱۱					
۱۷	در شغلم از فرآیند تفکر حل مسئله استفاده می‌کنم.							۰/۶۸۲
۱۸	در پی کشف راه‌حل مسائل و مشکلات هستم.							۰/۸۳۵
۱۹	در پی کشف راه‌حلهای جدید برای مسائل هستم.							۰/۸۱۶
۲۰	به مشکلات دانش‌آموزان توجه و رسیدگی می‌کنم.							۰/۴۴۲
۲۱	با دانش آموزان رابطه عاطفی مؤثر دارم.						۰/۴۷۴	
۲۲	با همکاران ارتباط مؤثر دارم.						۰/۸۱۳	
۲۳	با همکارانم در مدرسه همکاری و مشارکت فعالی دارم.						۰/۸۶۳	
۲۴	ایده‌های آموزشی خود را با دیگران در میان می‌گذارم.						۰/۸۷۸	
۲۵	با مدیر مدرسه و سایر معلمان رابطه دوستانه برقرارمی‌کنم.						۰/۶۳۲	
۲۶	در دوره‌های ضمن خدمت شرکت می‌کنم.				۰/۷۸۹			
۲۷	به یادگیری نظریه‌های جدید درزمینه شغلی خود علاقه دارم.				۰/۷۷۳			
۲۸	از تجارب و دانش دیگر معلمان استفاده می‌کنم.				۰/۸۲۱			
۲۹	از اطلاعات و خبرهای مهم روز (درزمینه شغلی) مطلع ام.				۰/۸۶۷			
۳۰	از اطلاعات و یافته‌های جدید بهره می‌گیرم.				۰/۸۶۵			

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

۳۱	به‌صورت گروهی و تیمی عمل می‌کنم.						۰/۷۷۹	
۳۲	تأکید بسیار بر کار تیمی دارم.						۰/۸۴۷	
۳۳	درگروههای کوچک مشارکت دارم.						۰/۸۰۶	
۳۴	مشکلاتی را که به‌تنهایی از عهده حل آن برنمی‌آیم با تبادل‌نظر با دیگر معلمان و مدیر مدرسه از میان برمی دارم.						۰/۷۷۷	
۳۶	مطمئنم که می‌توانم برای بسیاری از مشکلات راه‌حل ارائه دهم.			۰/۸۵۸				
۳۷	مطمئنم که می‌توانم از پس پیچیده‌ترین موقعیتها برآیم.			۰/۸۳۶				
۳۸	مطمئنم می‌توانم به مهارتهای تدریس جدید تسلط یابم.			۰/۸۰۰				
۳۹	مطمئنم که می‌توانم نرم‌افزار آموزشی را متناسب با اهداف آموزشی توسعه دهم.			۰/۸۴۲				
۴۰	مطمئنم که می‌توانم از عهده مدیریت کلاس برآیم.			۰/۸۳۲				
۴۱	مطمئنم که می‌توانم از مواد آموزشی جدید استفاده کنم.			۰/۴۷۰				
۴۳	در دانش‌آموز انگیزه ایجاد می‌کنم.		۰/۶۲۸					
۴۴	به سبک یادگیری دانش آموزان توجه می‌کنم.		۰/۸۱۸					
۴۵	در تدریس به‌صورت هدفمند عمل می‌کنم.		۰/۸۲۵					
۴۶	در تدریس به علائق و استعداد دانش‌آموزان توجه می‌کنم.		۰/۸۴۹					
۴۷	فرآیند آموزشی را با توجه به نیازهای یادگیرندگان برنامه‌ریزی می‌کنم.		۰/۷۹۱					
۴۸	ظرفیت دانش‌آموزان را برای کسب موفقیتهای بیشتر افزایش می‌دهم.		۰/۷۶۲					
۴۹	در کلاس مسائل و موقیتهای واقعی را مطرح می‌کنم.		۰/۸۰۵					
۵۰	فرصت فکر کردن به دانش‌آموزان می‌دهم.		۰/۵۱۴					

همان‌گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود اغلب گویه‌ها، بار عاملی بالایی دارند. با توجه به بار عاملی، می‌توان به نقش با اهمیت هر یک از گویه‌ها در تبیین و معرفی ابعاد هشتگانه پی برد. از میان کل سؤالات پرسشنامه تنها دو سؤال[سؤال ۳۵ (در تدریس از سؤالات بازپاسخ استفاده می‌کنم) و سؤال ۴۲ (با تلاش بیشتر می‌توانم در وضعیت فعلی تغییر ایجاد کنم)] به دلیل بار عاملی کمتر از ۰/۴۰، از ماتریس حذف شدند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

جدول ۵: نتایج آزمون T تک نمونه‌ای

ارزش تی= ۳						
عامل		تی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	سطح معناداری
۱	خلاقیت	۴۵/۷۸۳	۳/۱۵۱	۱/۰۴	۲۸۹	۰/۰۰۰
۲	مهارتهای آموزشی	۴۵/۶۰۲	۳/۲۸	۱/۰۹	۲۸۹	۰/۰۰۰
۳	ویژگیهای شخصیتی	۴۳/۱۳۵	۳/۱۳۸	۱/۱۰	۲۸۹	۰/۰۰۰
۴	خودکارآمدی	۴۹/۱۵۱	۳/۳۲۲	۱/۰۲	۲۸۹	۰/۰۰۰
۵	دانش‌افزایی	۴۱/۷۱۶	۳/۰۴۹	۱/۱۰	۲۸۹	۰/۰۰۰
۶	کار گروهی	۶۶/۸۸۶	۳/۹۷۰	۰/۹۰۰	۲۸۹	۰/۰۰۰
۷	مهارت ارتباطی	۴۷/۳۰۱	۳/۰۱۷	۰/۹۶۷	۲۸۹	۰/۰۰۰
۸	تفکر حل مسئله	۵۴/۰۱۳	۳/۱۵۵	۰/۸۸۵	۲۸۹	۰/۰۰۰

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش که به بررسی وضع موجود کارآفرینی معلمان مدارس شهرخرم‌آباد به تفکیک ابعاد شناسایی شده (خلاقیت، الگوی تدریس، ویژگیهای شخصیتی، خودکارآمدی، دانش‌افزایی، کار گروهی، مهارت ارتباطی و تفکر حل مسئله) می‌پردازد، از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شده است. از آنجا که سطح معناداری در بعد خلاقیت (با میانگین ۳/۱۵۱ و انحراف معیار ۱/۰۴)، در بعد مهارت‌های آموزشی (با میانگین ۳/۲۸ و انحراف معیار ۱/۰۹)، در بعد ویژگیهای شخصیتی (با میانگین ۳/۱۳۸ و انحراف معیار ۱/۱۰)، در بعد خودکارآمدی (با میانگین ۳/۳۲۲ و انحراف معیار ۱/۰۲)، در بعد دانش‌افزایی (با میانگین ۳/۰۴۹ و انحراف معیار ۱/۱۰)، در بعد کار گروهی (با میانگین ۳/۹۷۰ و انحراف معیار ۰/۹۰۰)، در بعد مهارت ارتباطی (با میانگین ۳/۰۱۷ و انحراف معیار ۰/۹۶۷) و در بعد تفکر حل مسئله (با میانگین ۳/۱۵۵ و انحراف معیار ۰/۸۸۵) کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، نتیجه می‌گیریم که تفاوت میانگین با مقدار ثابت عدد ۳ معنادار است و با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت کارآفرینی معلمان مدارس شهر خرم‌آباد در ابعاد هشتگانه معلمان کارآفرین بیشتر از حد متوسط بوده است. نتایج در جدول شماره ۵ نشان داده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی نشانگرها و ابعاد معلمان کارآفرین انجام شد. در مرحله کیفی ۵۰ نشانگر معلمان کارآفرین شناسایی و در قالب هشت بُعد شامل «خلاقیت»، «الگوی تدریس»، «ویژگیهای شخصیتی»، «خودکارآمدی»، «دانش‌افزایی»، «کار گروهی»، «مهارت ارتباطی» و «تفکر

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

حل مسئله» شناسایی و طبقه‌بندی شدند. همچنین در تحلیل عاملی اکتشافی، نقش هر یک از نشانگرها در اندازه‌گیری ابعاد هشت‌گانه معلمان کارآفرین بررسی و تأیید شد.

نخستین بعد معلمان کارآفرین خلاق بودن آنهاست. معلمان خلاق سعی می‌کنند به همهٔ فکرها، نکات مثبت، سؤالات غیرمعمول و عجیب دانش‌آموزان توجه کنند و به همه سؤالات پاسخ دهند. آنها به روشهای یاددهی و راهبردهای یادگیری کلیشه‌ای اکتفا نمی‌کنند و در انتخاب سازوکارهای یاددهی-یادگیری، خلاقانه عمل می‌کنند. در کلاس فضایی دوستانه به وجود می‌آورند و به دانش‌آموز در جهت ایجاد تفکر خلاق و نو کمک می‌کنند. آنها کلاس را اداره نمی‌کنند بلکه آن را هدایت می‌کنند تا دانش‌آموزان مسئولیت یادگیری خود را به عهده گیرند. آنها از امکانات موجود حداکثر بهره‌برداری را می‌کنند و از هر نوع فناوری و وسیلهٔ مناسب آموزش، اعم از منابع مکتوب و غیر مکتوب در آموزش استفاده می‌کنند. معلم خلاق یادگیری خودانگیخته دانش‌آموزان را تشویق و در آنها انگیزه ایجاد می‌کند.

بعد دوم معلمان کارآفرین دارا بودن مهارتهای آموزشی است. مهارتهای آموزشی بر آموزشهایی تأکید دارند که یادگیری را از طریق انجام دادن، تجربه و آزمایش کردن، ریسک‌پذیری و انجام اشتباه مثبت، ارائه راه‌حل خلاقانه برای مسائل، ارائه بازخورد از طریق تعاملات اجتماعی، اجرای نمایش و ایفای نقش و برقراری ارتباط با جهان خارج تشویق می‌کنند. معلمان کارآفرین به‌جای آموزش دانش‌آموزان به هدایت و راهنمایی آنها می‌پردازند. آنها با مطرح کردن سؤالات باز که لزوماً به یک پاسخ درست منجر نمی‌شود، فرصت فکر کردن را برای دانش‌آموزان به وجود می‌آورند. با کمک به دانش‌آموزان در حل مسائل و مشکلات پیش‌رو در کلاس در کنار آنها یاد می‌گیرند. معلمان کارآفرین افرادی هستند که شهامت تغییر الگوهای قدیمی و مرسوم را دارند (لوفلر، ۲۰۰۹).

بعد سوم معلمان کارآفرین ویژگیهای شخصیتی آنهاست. معلمان کارآفرین اعتماد به نفس بالا دارند؛ آنها انعطاف‌پذیر، مسئول و پرشور و با انرژی‌اند. معلمان کارآفرین تلاش می‌کنند تا شرایط فعلی را بهبود بخشند. آنها نسبت به تدریس خود اطمینان دارند، نگرشی مثبت نسبت به تغییرات دارند و افقها و چشم‌اندازهایی نو را به دانش‌آموزان و سایر همکاران می‌نمایانند. پولات (۲۰۱۷) ادعا می‌کند که نیاز به کسب موفقیت، کنترل درونی، ریسک‌پذیری، تحمل ابهام، مسئولیت‌پذیری و اعتمادبه‌نفس از ویژگیهای موردنیاز کارآفرینی در مدارس است. معلمان کارآفرین علاوه بر مهارتهای سازمانی و مدیریتی مانند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی به ویژگیهای شخصیتی مانند

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

تواناییهای معلم برای انجام دادن کار حرفه‌ای در زمینه سازمان‌دهی و مدیریت فعالیتهای آموزشی، تمایل به انجام دادن کار و مسئولیت‌پذیری نیاز دارند.

چهارمین بعد معلمان کارآفرین خودکارآمدی آنهاست. بندورا (۱۹۹۷) خودکارآمدی را به‌عنوان اعتقاد راسخ فرد بر تواناییهایش برای بسیج منابع انگیزشی، شناختی و راهکارهای مورد نیاز برای اجرای موفقیت‌آمیز وظایف خاص در موقعیت معین تعریف کرده است (به نقل از هویدا و همکاران،۱۳۹۱). معلمانی با خودکارآمدی بالا زمینه‌های مشارکت بیشتر دانش‌آموزان را در فعالیتهای کلاسی فراهم می‌کنند. آنها جوی صمیمانه در کلاس به وجود می‌آورند و دارای انگیزه لازم برای به‌کارگیری راهبردهایی جهت بهبود وضعیت تحصیلی دانش آموزان هستند. آنها به توانایی خود اعتقاد دارند و ادعا می‌کنند که می‌توانند با به‌کارگیری مهارتهای تدریس بهتر سطح پیشرفت تحصیلی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان را ارتقا بخشند.

بعد پنجم معلمان کارآفرین دانش‌افزایی آنهاست. پیاده‌سازی کارآفرینی در حوزه آموزش و مدارس نیازمند یادگیری معلمان و آموزش آنها در این زمینه است(اِیَل، ۲۰۰۸؛ هارا[1] و همکاران،۲۰۱۶). یادگیری معلمان در زمینه نظریه‌های جدید آموزش، روشهای آموزشی، توسعه و انتشار مواد و ابزار آموزشی تعیین‌کننده اصلی کارآفرینی معلمان است (روسکوارا[2] و همکاران، ۲۰۱۵). پژوهشها نشان می‌دهند که معلمان یادگیرنده در شغل خود انعطاف‌پذیرترند. آنها برای غلبه بر چالشهای شغلی خود توانمندتر عمل می‌کنند (ورمنت[3]،۲۰۱۴؛ کورتاخن[4]،۲۰۱۷). معلمان کارآفرین به‌منظور بهبود تدریس، بهبود یادگیری دانش‌آموزان و افزایش اثربخشی آموزش به تحقیق و بررسی می‌پردازند و روشها و ابزار آموزشی جدیدی را خلق می‌کنند. کارآفرینی در محیط آموزشی تحت تأثیر یادگیری معلم است (ایل،۲۰۰۸؛ هارا و همکاران،۲۰۱۶). دو مفهوم کلیدی در کارآفرینی آموزشی همکاری و یادگیری مشارکتی است (دال و همکاران ،۲۰۱۶؛ ساگر[5]،۲۰۱۳).

بعد ششم معلمان کارآفرین پرداختن به کار گروهی است. کار گروهی و همکاری یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های کارآفرینی است. بدون شک هر معلم تجارب و دانشی منحصربه‌فرد در زمینه‌های گوناگون آموزش و یادگیری دارد. پژوهشها نشان می‌دهند که همکاری میان معلمان تأثیری چشمگیر در تبادل تجارب آنها، افزایش نوآوری و کارایی، افزایش ارتباطات، افزایش

1. Haara
2. Ruskovaara
3. Vermunt
4. Korthagen
5. Sagar

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

مهارتهای فناورانه و استفاده از ابزارها و وسایل کمک آموزشی و مهارتهای فنی پیشرفته، کاهش انزوای شخصی و احساس بیگانگی میان معلمان، به‌کارگیری راهبردهای آموزشی بهتر، ایجاد گفتگوی حرفه‌ای، به اشتراک گذاشتن ایده‌ها و منابع، یادگیری و رشد حرفه‌ای و بهبود انگیزه و روحیه معلمان و آموزش مؤثرتر و تدریس اثربخش‌تر دارد (ایگوداوات[1] و همکاران، ۲۰۱۱؛ اسلاویت[2] و همکاران،۲۰۱۱؛ ویگلزورث[3]، ۲۰۱۱؛ ونگریکن[4] و همکاران، ۲۰۱۵). اوکودان و ژوسا[5] (۲۰۰۶) ادعا می‌کنند که تسهیل و توسعه دانش و مهارتهای رهبری، انگیزه، خلاقیت و نوآوری، برقراری مهارتهای ارتباطی و کار گروهی رفتار کارآفرینی را تشویق می‌کند. معلمان کارآفرین دارای مهارتهای کار گروهی قوی هستند (کمیسیون اروپا،۲۰۱۳).

بعد هفتم معلمان کارآفرین مهارت ارتباطی آنهاست. بخش بزرگی از موفقیت معلمان کارآفرین بستگی به طیف وسیعی از مهارتهای ارتباطی، ازجمله گوش دادن فعال، توانایی مذاکره و توانایی ایجاد یک محیط یادگیری باز و آزاد دارد. ایجاد چنین محیطی نه‌تنها به موفقیت دانش‌آموزان و احساس اعتمادبه‌نفس و امنیت آنها منجر می‌شود، بلکه امکان دستیابی به منابع مالی و حمایت و پشتیبانی مدیر مدرسه و همکاران را افزایش می‌دهد. مهارت ارتباطی قوی ضامن موفقیتهای بیشتر معلمان و آیندهٔ شغلی درخشان‌تر آنهاست. برسلر (۲۰۱۱) ادعا می‌کند که توانایی گوش دادن به دیگر معلمان و دانش آموزان از ویژگیهای معلمان کارآفرین است.

هشتمین و آخرین بعد معلمان کارآفرین، داشتن تفکر حل مسئله است. حل مسئله فرآیندی مداوم است که در آن از آنچه می‌دانیم برای کشف آنچه نمی‌دانیم بهره می‌گیریم. این شامل غلبه بر موانع، فرضیه‌پردازی و ارائه راه‌حل، آزمایش آن، پیش‌بینی نتایج و رسیدن به راه‌حلهای رضایت‌بخش است. معلمانی که از مهارت حل مسئله بالایی برخوردارند در پی شناسایی و علت‌یابی مسائل و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مانند بی‌علاقگی و بی‌انگیزگی، کند آموزی و عدم یادگیری، بی‌نظمی، بیش‌فعالی و مشکلات خانوادگی هستند. آنها به‌منظور اصلاح موقعیت به گردآوری اطلاعات و کشف راهبردهای مناسب می‌پردازند. آنها ابتدا مشکلات را علت‌یابی و سپس به راه‌حل آن می‌پردازند. آنها می‌کوشند کل موقعیت را در نظر بگیرند و از تفکر رفت و برگشتی استفاده کنند.

1. Egodawatte
2. Slavit
3. Wigglesworth
4. Vangrieken
5. Okudan & Rzasa

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

محدودیتها

این پژوهش با محدودیتهایی مواجه بود که عبارت اند از: ۱. پژوهشهای اندکی در زمینه معلمان کارآفرین صورت گرفته است و ادبیات پژوهشی غنی در این زمینه وجود ندارد ۲. بررسی میزان کارآفرینی معلمان بر اساس نظرسنجی از خود آنان انجام شده و پژوهشگران مشاهده عینی از پدیده مورد نظر ندارند؛ به عبارت دیگر پژوهشگران با محدودیت ناشی از سنجش متغیر ملاک یعنی ویژگی و نشانگان معلمان کارآفرین مواجه بودند.

پیشنهادها

با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش، پژوهشگران علاوه بر توصیه به انجام مطالعات بیشتر در زمینه کارآفرینی در حوزه تعلیم و تربیت، به نظام آموزش و پرورش نیز توصیه می‌کنند که با برگزاری کارگاههای آموزشی و معرفی معلمان شاخص و کارآفرین زمینه و شرایط لازم را برای تقویت و توسعه مهارتهای کارآفرینی معلمان فراهم آورند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

منابع

اشتیاقی‌جو، اعظم (۱۳۹۰). *بررسی عوامل مرتبط با میزان کارآفرینی در بین معلمان منطقه آموزش و پرورش پاکدشت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

بازرگان، عباس. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر روشهای تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران: دیدار، چاپ چهارم.

کرسول، جان. (۱۳۹۱). *پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت پژوهی، پدیدارشناسی و نظریه داده بنیاد، قوم نگاری، مطالعه موردی)*، ترجمه حسن دانایی‌فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار، اشراقی، چاپ اول.

کرسول، جان دبلیو و پلانو کلارک، ویکی. (۱۳۹۴). *روشهای پژوهش ترکیبی*، ترجمه علیرضا کیامنش و جاوید سرایی. تهران: آییژ.

محمدی الیاسی، قنبر؛ فراستخواه، مقصود و فرخ، شیما. (۱۳۹۱). مهارتهای استادان و مربیان کارآفرینی برای پرورش کارآفرینان نوپا در دانشگاه‌ها. *توسعه کارآفرینی*، ۴ (۱۵)، ۱۸۵-۲۰۱.

هویدا، رضا؛ حجت اله؛ مختاری و فروهر، محمد. (۱۳۹۱) رابطه مؤلفه‌های سرمایه روان‌شناختی و مؤلفه‌های تعهد سازمانی. *مجله پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری*، ۲ (۲)، ۴۳-۵۶.

Axelsson, K. (2017). *Entrepreneurship in a school setting: Introducing a business concept in a public context*. Doctoral dissertation, Mälardalen University, Sweden.

Bergsleithner, J. M. (2005). Instructions as a strategic way to enhance the L2 reading process. *Revista ECOS*, *1*, 121-125.

Bresler, L. (2011). Integrating the arts: Educational entrepreneurship in a school setting. *Hellenic Journal of Music, Education & Culture*, *2*(1), 5-17.

Dal, M., Elo, J., Leffler, E., Svedberg, G., & Westerberg, M. (2016). Research on pedagogical entrepreneurship–a literature review based on studies from Finland, Iceland and Sweden. *Education Inquiry*, *7*(2), 159-182.

Din, M. (2017). Students as mavericks for change: A model for introducing educational entrepreneurship training. *International Education and Research Journal*, *3*(2), 14-15.

Egodawatte, G., McDougall, D., & Stoilescu, D. (2011). The effects of teacher collaboration in Grade 9 Applied Mathematics. *Educational Research for Policy and Practice*, *10*(3), 189-209.

European Commission. (2013). *Entrepreneurship education: A guide for educators*. Bruxelles: Enterprise and Industry.

_____ (2014). *The Teaching and Learning International Survey (TALIS) 2013: Main findings from the survey and implications for education and training policies in Europe*. Retrieved from http://ec.europa.eu/education/library/reports/2014/talis_en.pdf

Eyal, O. (2008). A two-dimensional model of school entrepreneurship. *Educational Planning*, *17*(3), 28-37.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

Eyal, O., & Inbar, D. E. (2003). Developing a public school entrepreneurship inventory: Theoretical conceptualization and empirical examination. *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research, 9*(6), 221-244.

Haara, F. O., Jenssen, E. S., Fossøy, I., & Ødegård, I. K. R. (2016). The ambiguity of pedagogical entrepreneurship–the state of the art and its challenges. *Education Inquiry, 7*(2), 183-210.

Johannisson, B., & Madsén, T. (1997). I entreprenörskapets tecken–en studie av skolning i förnyelse Ds l997: 3. *Stockholm: Närings-och handelsdepartementet (med, Hjorth, D, Ivarsson, I and Öien, A)*.

Korthagen, F. (2017). Inconvenient truths about teacher learning: Towards professional development 3.0. *Teachers and Teaching*, *23*(4), 387-405.

Landström, H., Harirchi, G., & Åström, F. (2012). Entrepreneurship: Exploring the knowledge base. *Research Policy*, *41*(7), 1154-1181.

Leffler, E. (2009). The many faces of entrepreneurship: A discursive battle for the school arena. *European Educational Research Journal, 8*(1), 104-116.

Leisey, D. E., & Lavaroni, C. (2000). *The educational entrepreneur: Making a difference*. San. Rafael, CA: Edupreneur Press.

McGuinn, P. (2006). The policy landscape of educational entrepreneurship. In F. Hess (Ed.), *Educational entrepreneurship: Realities, challenges, possibilities* (pp. 63-81). Cambridge, MA: Harvard Education Press.

Okudan, G. E., & Rzasa, S. E. (2006). A project-based approach to entrepreneurial leadership education. *Technovation*, *26*(2), 195-210.

Peltonen, K. (2015). How can teachers' entrepreneurial competences be developed? A collaborative learning perspective. *Education+ Training*, *57*(5), 492-511.

Polat, H. (2017). Teacher perceptions on school administrators' entrepreneurship skills. *Journal of Education and Practice*, *8*(12), 90-101.

Røe Ødegård, I.K. (2012). Entreprenørskap i lærerutdanningen i Norge og Namibia. En komparativ analyse av entreprenørielle tilnærminger i lærerkvalifisering. PhD thesis. Oslo, Norway: University of Oslo.

Ruskovaara, E., Pihkala, T., Seikkula-Leino, J., & Rytkölä, T. (2015). Creating a measurement tool for entrepreneurship education: A participatory development approach. In A. Fayolle, P. Kyrö & F. Linàn (Eds.), *Developing, shaping and growing entrepreneurship* (pp. 40-57), Chelterham: Edward Elgar Publishing Limited.

Sagar, H. (2013). *Teacher change in relation to professional development in entrepreneurial learning*. Doctoral Dissertation, University of Gothenburg, Sweden.

Slavit, D., Kennedy, A., Lean, Z., Nelson, T. H., & Deuel, A. (2011). Support for professional collaboration in middle school mathematics: A complex web. *Teacher Education Quarterly*, *38*(3), 113-131.

Vangrieken, K., Dochy, F., Raes, E., & Kyndt, E. (2015). Teacher collaboration: A systematic review. *Educational Research Review*, *15*, 17-40.

Vermunt, J. D. (2014). Teacher learning and professional development. In S. Krolak-Schwerdt, S. Glock, & M. Böhmer (Eds.), *Teachers' professional development: Assessment, training, and learning* (pp. 79-95). Rotterdam, The Netherlands: Sense.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

Wigglesworth, M. (2011). *The effects of teacher collaboration on students' understanding of high school earth science concepts.* MSc. thesis, Montana State University.

Yemini, M., Addi-Raccah, A., & Katarivas, K. (2015). I have a dream: School principals as entrepreneurs. *Educational Management Administration & Leadership*, *43*(4), 526-540.

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]

[Downloaded from qjfr.ir on 2025-07-25]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1396.14.4.1.8]